
مجموعه‌ی طراحی صحنه و لباس

دبیر مجموعه: منیره ملکی

طراحان صحنه‌ی تئاتر یونان و روم باستان

پیام فروتن

فهرست

۷.....	مقدمه‌ی دبیر مجموعه
۹.....	مقدمه
۱۳.....	آپاتوریوس از آلاباندا
۲۱.....	آپلودوروس
۴۳.....	آگاتارکوس
۶۱.....	آناکساگوراس
۸۱.....	اپیکلیتس
۸۷.....	اشیل (آیسخلوس)
۱۱۷.....	اودوروس
۱۲۳.....	دیسکوریدس از ساموس
۱۳۵.....	سرایون
۱۴۱.....	سوفوکل
۱۷۹.....	فورمیس
۱۸۳.....	کلیستس
۱۸۷.....	منه‌دموس
۱۹۳.....	ویتروویوس
۲۲۱.....	منابع فارسی
۲۲۵.....	منابع انگلیسی
۲۳۱.....	منابع اینترنتی

مقدمه

یک - زمانی که در حال ترجمه‌ی کتاب تاریخ طراحی صحنه‌ی اسکار براکت بودم، در میان منابعی که او استفاده کرده بود عنوان کتاب جذاب و شگفت‌انگیزی را دیدم؛ کتابی تحت عنوان فرهنگ طراحان صحنه، نوشته‌ی رابین تاین لیسسی. نام کتاب را جست‌وجو و از طریق ویسایت آمازون چند صفحه‌اش را مطالعه کردم. مشتاق شدم کتاب را تهیه کنم؛ از یکی از دوستان خارج کشورم خواهش کردم کتاب را خریداری و برایم ارسال کند. بعد از چند ماه کتاب به دستم رسید و این آغاز ماجرا بود. کتاب لیسسی اثر درخشانی است، اما همان‌طور که خود در عنوان کتابش آورده، تنها یک «فرهنگ» است و بس! ظاهر کتاب دقیقاً با شکل و شمایل و حتی کاغذ و فونت دیکشنری ترتیب یافته است؛ بدون حتی یک تصویر. محتویات آن نیز تنها در حد یک اشاره به طراحان صحنه است. به‌عنوان مثال، تنها در چند خط درباره‌ی سوفوکل یا ویتروویوس صحبت کرده و خیلی زود سراغ نفر بعدی رفته است. شاید بتوان به او حق داد. خود لیسسی هم به قصد تنظیم و نگارش دیکشنری سراغ این موضوع رفته است و البته خدا خیرش دهد! ابتدا تصمیم گرفتم کل کتاب را ترجمه کنم. اما بعد بر آن شدم آن را به‌عنوان منبع اطلاعات اولیه به کار ببرم و با تحقیق و پژوهش‌های متعدد و فراگیر مجموعه‌ای تحت عنوان طراحان صحنه‌ی جهان بنویسم؛ مجموعه‌ای چندجلدی که هر جلد از آن هویت مستقل خود

جهان هنر در یونان باستان دنیایی پیچیده و چندسبکی بود؛ جهانی که از واقع‌گرایی آغاز و به قطب مخالف آن گرایش می‌یافت. این در حالی بود که لزوم توجه به قواعد و چارچوب‌های باورپذیر و منطقی کلاسیک بیش از هر شیوه و رویکردی مورد توجه قرار می‌گرفت. در چنین اوضاعی نقاشی پا به عرصه‌ی وجود می‌گذارد که بنیان‌های هنر کلاسیک را دستخوش تحول می‌کند؛ آپاتوریوس از آلاباندا.

آپاتوریوس آلاباندایی در فاصله‌ی میان سال‌های ۳۱ تا ۱۴ پیش از میلاد در آلاباندا به دنیا آمد. آلاباندا شهری در ناحیه‌ی کاریا^۳ در آناتولی بود که میان دو تپه قرار داشت. شهرت این شهر به واسطه‌ی معادن مرمر تیره‌اش بود اما شاید شهرت دیگر آلاباندا را بتوان به واسطه‌ی نقدی که لیکیمنیوس^۴ ریاضی‌دان بر مردمان این شهر وارد کرده بود دانست. «آلاباندایی‌ها در امور سیاست هوشمند دانسته می‌شدند اما به علت نقصی کوچک (یعنی فقدان حس شایایی) باور این است که کندذهن هستند.» (ویتروویوس، ۱۳۹۱: ۲۸۲). در تأیید این نقد، ویتروویوس^۵ نیز می‌نویسد: «در ورزشگاه آن‌ها مجسمه‌ها همه دارای موضوع دادخواهی‌اند، در فوروم مجسمه‌ها دیسک پرتاب می‌کنند، می‌دوند، یا توپ‌بازی می‌کنند. این بی‌توجهی به شایایی در جابه‌جا گذاشتن مجسمه‌هایی که برای مکان‌های متفاوت متناسب‌اند آن سرزمین را در کل به بدنامی کشانده است.» (همان)



تصویر ۱- اکلسیاس تریون آتن بر تپه‌ی پنیکس

تصویر - پینترست

ویتروریوس آشکار می‌کند که در زمانه‌ی سیطره‌ی قواعد کلاسیک بر هنر یونان باستان، هنر ناحیه‌ی کاریا و ترالس رویکردی کاملاً مدرن داشته؛ رویکردی که عمیقاً از ضوابط جاری در «مناسبت» و روابط علی و معلولی فاصله داشته است.

مری همیلتون سویندلر^{۱۳} (۱۸۸۴-۱۹۶۷) در کتاب نقاشی باستان^{۱۴} که سال ۱۹۲۹ از سوی دانشگاه ییل منتشر شد، آورده است: «او [آپاتورئوس] فاقد توانایی درک پرسپکتیو برای نمایش سقف‌ها و ستون‌های سقف‌ها بوده است. این در حالی است که هنرمند آن را به صورتی برتر از واقع‌گرایی تغییر شکل داده است. این پرده‌ی نقاشی شده به روم اجازه داد تا به سمت فانتزی پیش برود و مبادرت به احداث دیوارهای پس‌زمینه‌ی معمارانه کند.»